



انسان شناسی در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی مقایسه شد

در کتاب «انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی» ماهیت دانش سیاسی، روش، حرکت، قدرت، انسان، عقل و علم، حسن و قبح، برابری، عدالت، وضع طبیعی، قانون طبیعی، قرارداد، ماهیت حاکمیت، الزام، دین، دین و دولت در نظام فلسفی و اندیشه‌های هابز و علامه طباطبایی با یکدیگر مقایسه گردیده است.

در کتاب #171؛ انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی؛ ماهیت دانش سیاسی، روش، حرکت، قدرت، انسان، عقل و علم، حسن و قبح، برابری، عدالت، وضع طبیعی، قانون طبیعی، قرارداد، ماهیت حاکمیت، الزام، دین، دین و دولت در نظام فلسفی و اندیشه‌های هابز و علامه طباطبایی با یکدیگر مقایسه گردیده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، این پژوهش؛ تفسیر دو نظریه فلسفی رئالیستی از انسان را مقایسه می‌کند. نظریه فلسفی نخست از آن تامس هابز است که در کتاب لویاتان ارائه گردیده است. لویاتان اولین اثر در باب فلسفه سیاسی مدرن به زبان انگلیسی است که هابز آن را در سال 1647 تا 1651 میلادی نگاشته است و صورت تکامل یافته فلسفه سیاسی رئالیستی او است که پیش از آن در آثار او به زبان لاتین آمده بود. دومین نظریه، نظریه ادراکات اعتباری است که علامه طباطبایی، در زمینه فلسفه رئالیستی که در چارچوب فلسفه صدرایی تبیین نموده و می‌توان آنرا رئالیسم تعاملی خواند، ارائه کرده است.

بدین ترتیب ما با دوگونه رئالیسم هابزی و تعاملی روبه‌رو می‌شویم. هر یک از این دو؛ سامان فلسفه‌های پردازشی سیاسی خود را بر تفسیری که از انسان دارد بنا می‌کند. در این پژوهش برمی‌تابیم که تبیین این دو فلسفه رئالیستی از انسان چگونه است و از آنجا که هیچ‌یک در تبیین انسان توقف نکرده بلکه آن را به عرصه‌های اجتماع و سیاست و حکومت گسترش داده‌اند؛ در این پژوهش گسترش یاد شده را نیز پی می‌گیریم.

برجستگی‌های اثر نسبت به آثار مشابه

تاکنون تفسیرهای بسیاری از اندیشه سیاسی هابز به عمل آمده است. کمابیش تفسیرهایی نیز درباره نظریه ادراکات اعتباری وجود دارد. گاه نیز در باب مشابهت‌های احتمالی اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی اظهارنظرهایی شده است. اما تاکنون تفسیر این دو نظریه فلسفی از انسان و پی‌آمدهای آن در اجتماع و سیاست و حکومت با یکدیگر مقایسه نشده است. و به‌طور کلی چندان مطالعه مقایسه‌ای این دوگونه رئالیسم با یکدیگر صورت نگرفته است. روش پژوهش، تحلیل مقایسه‌ای است که روشی شناخته شده در علوم سیاسی می‌باشد و از جمله برای بررسی مقایسه‌ای دو مکتب و یا دو گرایش در یک مکتب به‌کار می‌رود.

روش تحقیق و شیوه ارائه مطالب

در این پژوهش تلاش شده است تا استقلال سامان اندیشه‌های هر یک از این دو اندیشمند محفوظ بماند و هیچ یک براساس دیگری خوانش نگردد. از این رو گرچه تحلیل مقایسه‌ای این دو موردنظر بوده اما این امر به قیمت نادیده گرفتن استقلال و سنت فکری این دو انجام نگرفته است.

نتیجه اثر

دستاورد پژوهش را می‌توان به‌طور اجمال چنین گزارش کرد: هابز با تفسیری که از انسان و عقل و علم پیش می‌نهد ناگزیر به قدرت مطلقه دولت می‌انجامد که مشروعیت حقوقی آن را به قراردادی فرضی منتهی می‌گرداند.

علامه طباطبایی با تفسیری که از انسان و استخدام‌گری و عقل وی ارائه می‌کند انسان را ناگزیر از زندگی اجتماعی می‌داند. این زندگی اجتماعی بر قراردادی عملی مبتنی است که قرارداد استخدام متقابل و عدالت اجتماعی است. اجتماع از اعتبار فرمانروایی و قانون ناگزیر است و دین در هر دو مورد نقشی اساسی دارد. از اینجا روابط خاصی میان عقل و دین و اجتماع پدید می‌آید که قابلیت‌های ویژه‌ای به نظام اندیشه‌ای و فلسفه سیاسی علامه طباطبایی می‌دهد. این پژوهش در جانب هابز، مستند به لویاتان، نسبت میان انسان و دولت و عقل و دین و درجات علامه طباطبایی نسبت میان انسان و اجتماع و عقل و دین را اساسی‌تر دانسته و این نسبت‌ها را بازخوانی می‌کند.

مباحث اصلی اثر

پژوهش شامل یک مقدمه و دو فصل و یک نتیجه‌گیری است. مقدمه با طرح این پرسش که آیا می‌توان هابز و علامه طباطبایی را با یکدیگر مقایسه کرد؟ با نگاهی به هابز و علامه طباطبایی و فلسفه سیاسی این دو به پاسخ پرسش یاد شده می‌پردازد.

فصل اول سه موضوع و انسان، دولت، دین و دولت را براساس متن لویاتان بر می‌رسد و در پایان فصل خوانش به سامان از لویاتان ارائه می‌کند.

فصل دوم به تناسب مباحث فصل اول به پنج موضوع در چارچوب نظریه ادراکات اعتباری می‌پردازد: حرکت، انسان و اجتماع، ملوک و حکومت، حسن و قبح، عدالت اجتماعی، قرارداد، دین، جامعه، حکومت، در این فصل آمادگی ذهنی خواننده غنیمت شمرده شده و پس از بیان نظرات علامه طباطبایی ذیل موضوعات یاد شده، در ضمن جمع‌بندی نظرات وی مقایسه‌هایی اجمالی میان نظرات علامه طباطبایی و تامس هابز انجام گرفته است.

در نتیجه‌گیری براساس دو فصل یاد شده، ماهیت دانش سیاسی، روش، حرکت، قدرت، انسان، عقل و علم، حسن و قبح، برابری، عدالت، وضع طبیعی، قانون طبیعی، قرارداد، ماهیت حاکمیت، الزام، دین و دولت در نظام فلسفی و اندیشه‌ای هابز و علامه طباطبایی با یکدیگر مقایسه گردیده است.

کتاب انسان‌شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی از جمله آثار منتشرشده پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی است که توسط حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمدرضا یزدانی مقدم به نگارش درآمده است.